



**باسواد:** یعنی کسی که توانایی خواندن و نوشتن دارد. اما ریشه این کلمه چیست؟  
سواد: یعنی «سیاهی» که مصدر عربی است. کسانی که توانایی نوشتن دارند در حقیقت کاغذ سفیدی را سیاه می‌کنند؛ یعنی توانایی سیاه کردن کاغذ را دارند. از این رو در گذشته به آنان «باسواد» می‌گفتند. این کلمه در عربی معادل ندارد و به جای آن می‌گویند: «الذی يعرف الکتابه» پس ما ایرانیان واژه بامزه‌ای را از پیوند دو واژه (با+ سواد) ساخته‌ایم و دریافت نویسی به آن بخشیده‌ایم.

**املاء** نیز به معنی پُر کردن و هم خانواده مملو است؛ زیرا در گذشته‌ای نه چندان دور که کاغذ گران و کمیاب بود، موقع نوشتن همه جای آن را پُر می‌کردند و جای خالی بر جای نمی‌ماند. پس به‌راستی که باسواد، باسواد بوده؛ چون همه کاغذ را سیاه و پُر می‌کرده است.

**مُزخَرَف:** یعنی آراسته به زر. ولی ما این واژه را به معنای بیهوده، جَفَنگ و چرت و پرت به کار می‌بریم.

گاهی چیزی را با ضد آن توصیف می‌کنیم. به آدم قد کوتاه از روی ریشخند گفته می‌شود: «چه قَد بلندی!» به چاق می‌گوییم: «چه قدر لاغر است!» واژه مزخرف نیز چنین حالتی برای پیش آمده است.

ریشه واژه مزخرف «مُزخَرَف» است، کلمه‌ای عربی و به معنی «زیور و زینت». مزخرف اسم مفعول است. شاید ریشه‌اش به دوره شاهان ایران قدیم؛ هم‌چون شاهان قاجار برگردد که از روی چاپلوسی، برخی افراد در تأیید سخن دولت‌مردان می‌گفتند: «مزخرف است.»؛ یعنی «سخن شما آراسته به زر است.» بعدها با فروپاشی پادشاهی قاجار، مردم این سخن را از روی ریشخند به کار بردند.

عادل اشکیوس

# بهبه چه مزخرفی!

تصویر گر: مهر تفضی شادابی

**قهرمان** عربی شده (مُعَرَّب) واژه «کهرمان» است. کهرمان یا قهرمان پیوندی از «کهر» یا «کار» + «مَن» یا «مان» است. شاید «مَن» همان «مَنش» باشد و شاید نیز به معنی «آدمی» باشد.

پس قهرمان یا همان کهرمان به معنی «مرد کار»؛ یعنی مرد آدمی است. انسانی که کارکن و کارآمد است. کار او بی‌مانند است. نویسنده برهان قاطع آن را به معنی کارفرما می‌داند.

اما برخی نیز قهرمان را از ریشه «کهرَم + اِنِ نسبت» به معنی پهلوان می‌دانند.

در عربی قهرمان را «بَطَل» می‌نامند. «بَطَل دَم العَدُو» یعنی، «خون دشمن را باطل ساخت.»

در انگلیسی برای قهرمانی واژه هرو (hero) به کار می‌رود. این واژه یادآور فریادی است که ناخودآگاه آدمی از درون برمی‌آورد. پس شاید هرو همان صدایی باشد که برای آفرین گویی بر زبان می‌آید. واژه «هورا» نیز همین گونه است.

